VOCABULARY · EPISODE 243

Short Stories with Peter: Anansi and the Pot of Wisdom

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

wisdom

خرد

DEF

The ability to make good decisions using knowledge and experience.

Wisdom is a noun; wise is the related adjective.

FA

توانایی تصمیم‌گیری خوب با کمک دانش و تجربه.

Wisdom اسم است و صفت مرتبط با آن wise است.

Her wisdom helped the village.

خرد او به روستا کمک کرد.

We learn wisdom from experience.

با تجربه خرد می‌آموزیم.

2

words of wisdom

سخنان خردمندانه

DEF

A short piece of useful, wise advice.

Often used warmly, sometimes humorously.

FA

نصیحتی کوتاه، مفید و عاقلانه.

اغلب با محبت و گاهی با طنز به کار می‌رود.

Her words of wisdom stayed with me.

سخنان خردمندانه او در ذهنم ماند.

Do you have any words of wisdom for us?

آیا سخن خردمندانه‌ای برای ما داری؟

3

climb

بالا رفتن

DEF

To go up something using your feet or hands.

The b is silent; climb up and climb down indicate direction.

FA

با پا یا دست از چیزی بالا رفتن.

حرف b تلفظ نمی‌شود؛ climb up و climb down جهت را نشان می‌دهند.

Anansi climbed the tree.

آنانسی از درخت بالا رفت.

The child climbed down the ladder.

کودک از نردبان پایین آمد.

4

break / broke / broken

شکستن

DEF

To separate into pieces or stop working.

Broke is the past form; broken is the past participle.

FA

به قطعات جدا شدن یا از کار افتادن.

Broke شکل گذشته و broken اسم مفعول است.

The pot broke on the rock.

کوزه به سنگ خورد و شکست.

The glass is broken.

لیوان شکسته است.

5

spread

پخش شدن

DEF

To move across a wider area or reach more people.

The present and past forms are both spread.

FA

به منطقه‌ای گسترده‌تر یا افراد بیشتری رسیدن.

شکل حال و گذشته هر دو spread هستند.

The wisdom spread across the world.

خرد در جهان پخش شد.

The news spread quickly.

خبر به سرعت پخش شد.

6

spread the word

خبر را پخش کردن

DEF

To tell people about something so that more people know.

A conversational expression; the word means the news or message.

FA

چیزی را به مردم گفتن تا افراد بیشتری از آن آگاه شوند.

عبارتی محاوره‌ای است؛ word به خبر یا پیام اشاره دارد.

Please spread the word about the event.

لطفا خبر رویداد را پخش کنید.

Friends helped spread the word.

دوستان به پخش خبر کمک کردند.

7

keep something to oneself

چیزی را برای خود نگه داشتن

DEF

To avoid sharing something with other people.

Can refer to possessions or information; the pronoun changes with the subject.

FA

چیزی را با دیگران تقسیم نکردن.

برای دارایی یا اطلاعات به کار می‌رود؛ ضمیر با فاعل تغییر می‌کند.

He kept the wisdom to himself.

او خرد را برای خودش نگه داشت.

She kept the news to herself.

او خبر را برای خودش نگه داشت.

8

ashamed

شرمنده

DEF

Feeling embarrassed or guilty about something.

Often followed by of or about; it describes a feeling, not an action.

FA

کسی که از چیزی احساس خجالت یا گناه می‌کند.

اغلب با of یا about می‌آید و یک احساس را توصیف می‌کند.

Anansi felt ashamed of his mistake.

آنانسی از اشتباهش شرمنده شد.

She felt ashamed about her words.

او از حرف‌هایش احساس شرمندگی کرد.